مقایسه‌ای بین تحریم‌های فروید و عقاید پیازه در رشته‌های نمونه‌سنجی

دکتر غلامرضا پیرامی
دکتر ابراهیم جعفر کرمی

فروید روان‌شناس معرف دعوتی میدان روان‌پزشکی را تشکیل می‌دهد. جهیزه برای فروید حائز اهمیت بود همان دردحالات عاطفی و احساسات بیماران بوده است. پیازه متولد سال ۱۸۹۶ و پرفروپر درانشیکی کوچک دردانشگاه فیز بوده است. پیازه همان کوشش‌های فروید را برای فهمیدن طبیعت قوای فکری بهترین نجام داد. گواهی داده که دروان‌پزشکی امروزی از کوشش‌ها و زحمات فروید قدیمانی کامل شده است ویل نمونه پیازه اینجانانه باشد معلوم نیست. شاید باید علت باشند که کارهای پیازه مقایسه تحقیقاتی علمی و تجربی بوده و اصولاً اثرات کارهای تحقیقاتی بعدها ظاهر می‌شوند. در این مقاله سعی شده است که کارهای فروید را با پیازه مقایسه نموده و پیوندهای آنها را بهم ارتباط دهیم. فروید می‌گوید در انسان دو نوع غریزه موجود است یکی غریزه جنسی (Sexual Instinct) و دیگری غریزه برخاش و تهاجم (Aggression) ولذا فرض نمود در انسان دو نوع این روحی موجود می‌باشد یکی مربوط به عامل جنسی و دیگری مربوط به عامل تهاجمی.

* استاد بیماری‌های دوآی دانشگاه پزشکی دانشگاه تهران

** استادیار بیماری‌های دوآی دانشگاه پزشکی دانشگاه تهران
سال یست و هندم

جلوه دانشگاه پزشکی تهران

فروید نامی بر انرژی رویارکند که مربوط به اعمال جنسی است و به عنوان آنتارپيدي (Libido) نامیده می‌شود. بر حسب تئوری‌های وی‌اچ‌بی، لیبیدو یک مسئولیتی می‌باشد، بدل می‌شود که از بدو تولد تا پایان پیکسالی و نه تنها به‌اندازه ورودی امر معنی‌گذاری است که به تقلید به‌طور لذت جنسی می‌دهد. از یک‌سال و نیم تا سالگی مقدم و کلوی محل تمرکز احساس و لذت جنسی است و عمل دفع و بازگرداندن مفروض برای طرف از طرف که به‌خوراک بود. در مرحله سوم که از اوایل سال سوم زندگی به بعد آغاز می‌گردد مرحله زندگی است. این مرحله آلت بجه مهورهای عضوی و شده و طرف بیشتر باکس می‌آید. فروید باین سه مرحله توصیه داده‌است. (Oral) و (Phallic) و (Anal) و مرحله دوم و مرحله مقدمی (Sensorimotor) از بدی‌ول تا دو سالگی

پس از توجه و نمایش مرحله برگ‌تشیم می‌کند:

1) مرحله حسی حرکتی (Sensorimotor) از بدی‌ول تا دو سالگی
2) مرحله قبل از عمل (Preoperation) از ۱ تا ۳۷ سالگی
3) مرحله عمل مطلق (Concrete Operation) از ۳۸ تا ۱۲ سالگی
4) مرحله تکامل از ۱۳ سالگی تا بالغ (Formal Operation)

در مرحله بعدی، حرکتی که باعث ایجاد و رشدی می‌گردد می‌کند. سپس به‌طور مکرر و پایدار می‌گیوازد. بر اساس نظریه شرقی شریفی‌روش می‌گردد. در مرحله دوم حس - حرکتی بین سن ۴ تا ۵ سالگی می‌گردد که نوع تطبیقی است که از طرف نهایت، در مرحله را به‌چهارمی‌باید به‌کار رهبر جلسه محلک می‌کند. در مرحله را به‌چهارمی‌باید به‌کار رهبر جلسه محلک می‌کند. در مرحله را به‌چهارمی‌باید به‌کار رهبر جلسه محلک می‌کند. در مرحله را به‌چهارمی‌باید به‌کار رهبر جلسه محلک می‌کند. در مرحله را به‌چهارمی‌باید به‌کار رهبر جلسه محلک می‌کند. در مرحله را به‌چهارمی‌باید به‌کار رهبر جلسه محلک می‌کند.
شاهرخ جهانپور

در گوستجوی آن نمی‌بودند. پیامدهای میکروید طولانی این سن صورت بی‌پایه بعد (Space)

دارد:

دهان، (احساسی که بکمک آن موقعت اضاءه و عضلات

و حرکت آنها را می‌توان فهمید)، بینایی و شنوایی.

پیامدهای انسان میکروید در مرحله سوم حسی - حسی که از سه تا تا ماهیگر است تطبیق‌هایی بلی از همه دیده و بارز دیگر ولی کامپانی باهم اجتماعی می‌کنند در واقع مثلاً می‌توان به یکی از ثالثین سن فقط روی زانوی بدر می‌نشست حال مرگ‌های بزرگ زانوی خودش را بالا و

پایین برده‌گر نزدیکها و پایین‌تر می‌پرده.

مرحله‌ای است (Preoperation) که یادگیرنده سبک‌سال (Symbols) در طول پدیده می‌باشد. در سه در خاطر و نظر اصولی برای یک چیز دیگری است. در این مرحله است که طبق استعمال

پزشکی سبک‌سال (ğu) عینی زبان را فرا می‌گیرد.

مرحله سوم تکامل (Concrete Operation)

پدیدار گشته و طبیعی اینها را نسبت به شناسای یا منیاتی که به‌هم دارند تقسیم

می‌کنند.

در مرحله چهارم پایه مرحله عمل

انسان به تکامل می‌رسد.

جانشین معلوم می‌باشد، علی‌رغم پیامدهای طولانی این سن صورت بی‌پایه بعد (Space)

نمونه‌های مشخصاً نبی‌گفت علی‌رغم وی از مشاهدات خودش بسربار و سرچشمه که آنها دارد و آنها را از مطالعه

و کشف محتوای ضیافت نام آگاه بیماران خویش بدن آورده است. فوکومن = فروید

اخلاق و صفات عالیه = پیامده

از نظر تاریخی کلمه فوق می‌دانست یا به‌سویا (Super Ego) برای اولین بار بالا
در ترجمه‌ی پژوهش، نیز می‌شود ایفای نظر درباره پدیداری سوپر اگوی مسئولیت و عقلانیت، به‌نام "Cognitive Drives" و "Morality of Cons"، را قبول کرده‌اند. نتایج حاصله در حالی که کسانی که متعلق به این دو سامانه به‌نام "Cognitive" می‌توانند در حالی که باعث توجه به اعمال و خواص‌ها می‌شوند، در این‌جا نشان‌دهند. بیانیه و در اثر و اثرات درصدی را بصورت حقیقتی مطرح می‌کنند، به‌عنوان دستور و یا‌دانش‌هایی را می‌توانند. در این مقاله که فروید گفته است، "سوپر اگو" چگونه و چرا می‌توان این است که برای خوش‌بینی و مردم در حین جهت و راه پیش می‌آید.

تقسیم بندی ساختاران روحی و شخصیتبر حسب نظر فروید ساختاران روحی و شخصیت انسان از این طبقه ساخته شده است: "اداره" (ID)، "من" (Ego) و "و فوق‌المنعم" (Super Ego).

یک نهاد نامی است که با احتیاجات و تجربیات اولیه انسان داده شده می‌باشد به‌نام "Ego". "ID"، "من"، به‌نام "Ego" و "Super Ego". این نهاد نامی است که با احتیاجات و تجربیات اولیه انسان داده شده می‌باشد، "ID"، "من"، به‌نام "Ego" و "Super Ego". این نهاد نامی است که با احتیاجات و تجربیات اولیه انسان داده شده می‌باشد، "ID"، "من"، به‌نام "Ego" و "Super Ego".

در این پژوهش، بیانیه در صورت وجود در حین جهت و راه پیش می‌آید.

بعداً از آن مشتق خواص شناسی انسانی است که ارتباط وجود انسان را با...
محیط اطراف خود برقرار می‌سازد.
کار از ارزش‌پذیری و قضاوت و حلق کردن مسئولیت است که همانند بطور رویاروی
پرچم حسی جذب درک (Perception)، حافظه و قوی‌پردازی حقایق
و باور پرکردن تجربه گسترش‌دهنده از راه‌اندازی گیم‌شفتر می‌باشد.
این نمونه یک واکنش‌زا بین خواهش‌هایی که آن ID برپا می‌شود و وسیله‌ها Ego
وسیع کوبه‌هایی که از Super Ego بیرون می‌آید عمل می‌کند.
فروردین می‌گردد در طول نمودار کم کم علاقه‌مندی به خودش را بر روی وسیله
تناسلی خوشی معروف می‌دارد و ۳٪ سالگی احساس می‌کند که از افتراقیات
از نوع احساسات جنسی نسبت به یاری خوشی دارد بدون اینکه از هویت آنها آگاه
باشد. این احساسات را اصطلاحاً عقب‌آوری ادیب ادیبی (Oedipus Complex)
آن‌ها از داستان‌های یونانی گرفته است.
عقده ادیب در اواخر سالیا که هم و بی‌ أهمیت وایان میرسد بدن‌مندی
که طفل احساس می‌کند می‌باید بپردازد از امکان مردی ادیبی آگاهی به دادند و در نتیجه
اورا با خاطرات خودن خواهش نموده و بیدنوشته به ناامید.
این نوع احساس ترس را اصطلاحاً Castration Anxiety
پایه باختری فوق‌موقت نیست. او می‌گوید همگی اخلاقی بی‌اعتبارت

1) ادیب نام شاخص‌دار است که پدیده‌ای را کشت و بامداد خوش ازدوج کرده.
2) توضیحات در مورد دختران بدنی نسبت به Castration Complex
Clitoris (Phallic) علاقه‌مندی به بازی‌سازی مکانیزم کمیک بنظر می‌رسد خوای خداوند
نسبت به پسر بسیار می‌کند. فروید این حسادت را
کم در حس می‌کند و به داشتن دوانتزی این حسادت را قبول می‌کند که قبلاً داشت.
آلت تناسلی مرد (Penis) بوده ولی توسط پدر اختصاص گرفته است. تقویت آن برای پنست که
پسر‌تر از این داده‌ها می‌باشد خود (Castration Anxiety)
حقایق اخلاقی شدن را قبول کرده است.
(Castration Complex)
study of drives, whereas Piaget's cognitive theory has not been concerned with the drives.

The parallel between the two theories as they apply to conscience development can be observed through Piaget's early morality of constraint which is dependent on the world about him and through the child's submissiveness and lack of autonomy. This is somewhat similar to the Freud's Theory of the superego.

Résumé

Dans cet article, les auteurs présentent une introduction à la conception psychanalytique de la formation de la personnalité, spécialement de superego. Ils montrent comment le concept s'est développé et a changé: les auteurs le comparent ensuite avec la théorie de "jugement moral" de Jean Piaget. Ils essayent de définir les différences de ces deux concepts. Freud, voulant décrire les aspects instinctifs de notre vie mentale, a supposé l'existence de deux instincts: l'instinct sexuel et l'agression. Freud a également supposé l'existence de trois étapes dans le développement psycho-sexuel de l'enfant: phase orale, phase anale et phase phallique.

Piaget, étant intéressé à l'aspect cognitif de la personnalité, a postulé une série d'étapes dans le développement cognitif de l'enfant: période sensorio-moteur, phase préopératoir, période des opérations concrètes et enfin étape des opérations méthodiques.

La grande différence entre ces deux théories réside dans le point de départ de Freud qui étudie les instincts tandis que Piaget, avec sa théorie cognitive, ne s'y intéresse pas. Autrement dit selon Piaget, c'est grâce à l'état de besoin de dépendance (moralié de contrainte) et également à cause de la soumission totale de l'enfant que sa "conscience" se développe. Tandis que Freud considère la crainte que l'enfant éprouve devant ses parents, comme facteur générateur de la conscience.
References: